



سیاست گذاری فقرزدا؛ در مسیر عدالت اجتماعی فراگیر^۱

تهیه و تنظیم: ارغوان فرزین معتمد^۲

چکیده

با وجود تلاش‌های گسترده جهانی برای ریشه‌کنی فقر و علی‌رغم آنکه از بین بردن فقر اولین هدف از اهداف توسعه پایدار در هدف‌گذاری سال ۲۰۳۰ است، این پدیده همچنان یکی از چالش‌های اساسی دنیای امروز است. گزارش فقر جهانی ۲۰۲۴ و تحلیل محاسبات فقر چندبعدی، حکایت از پیچیده‌تر شدن ابعاد فقر و ضرورت ارائه راهکارهای نوین در حل این مسئله است. هرچند سیاست‌های متنوع حمایتی در ایران نیز اجرا شده‌اند، کاهش فقر در مسیر هدف‌گذاری و اهداف تعیین‌شده نبوده است. پایش فقر در دستگاه‌های اجرایی و نهادهای علمی نشان می‌دهد که فقر در ایران، به‌ویژه در دهه اخیر، گسترش و شدت داشته است. در تحلیل علل ایجاد فقر و راهکارهای عملیاتی به‌منظور از بین بردن فقر، همراهی، همکاری و انسجام دستگاه‌های اجرایی، نهادهای غیردولتی و نهادهای مردمی ضروری است. در این راستا، باتوجه به نقش مؤسسه کار و تأمین اجتماعی به‌عنوان بازوی علمی و مشورتی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ورود به مسئله فقر از منظر ساختار سیاست‌گذاری در این حوزه، در اولویت قرار دارد. به این منظور و با رویکرد گفت‌وگو، سیاست‌گذاری فقرزدا، سلسله نشست-کارگاه‌هایی با مشارکت دستگاه‌های اجرایی، نهادهای غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای مدنی و صاحب‌نظران دانشگاهی و علمی در حوزه فقر طراحی و برگزار شد. این نشست‌ها به‌منظور تبیین ابعاد مسئله فقر در ایران، ساختار نظام سیاست‌گذاری فقرزدا، سیاست‌ها و برنامه‌های فقرزدایی، علل عدم موفقیت سیاست‌ها و ارائه راهکارهای عملیاتی به دولت در کاهش فقر در مسیر عدالت اجتماعی سازماندهی شد. نوشتار حاضر به بررسی مسئله فقر و مباحث مطرح‌شده در این سلسله نشست‌های «عدالت اجتماعی فراگیر؛ سیاست‌گذاری فقرزدا» می‌پردازد.

کلمات کلیدی: فقر چندبعدی، کاهش فقر، برنامه‌های فقرزدایی، مشارکت اجتماعی

۱. نوشتار حاضر، گزارشی از سلسله نشست-کارگاه‌هایی با موضوع «سیاست‌گذاری فقرزدا؛ در مسیر عدالت اجتماعی فراگیر» است که توسط مؤسسه کار و تأمین اجتماعی در زمستان ۱۴۰۳ و بهار ۱۴۰۴ برگزار شده است.
۲. پژوهشگر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

فقر جهانی در آینه آمار و واقعیت

فقر و ابعاد مختلف آن از موضوعاتی است که همواره مورد توجه، تحلیل و بررسی صاحب‌نظران حوزه اقتصاد اجتماعی بوده است. توجه بر ابعاد جدید فقر در دنیای فناورانه امروز و نیز شدت و گسترش فقر در جهان پرتلاطم حاضر، از جمله مباحثی است که مدنظر متخصصان این حوزه است. یکی از معروف‌ترین گزارش‌های بین‌المللی در حوزه فقر، گزارش فقر چندبُعدی است که توسط مرکز ابتکار عمل توسعه و فقرزدایی دانشگاه آکسفورد (OPHI)^۱، به‌طور سالانه تنظیم و به‌صورت مشترک با دفتر توسعه ملل متحد (UNDP) منتشر می‌شود. در این گزارش، فقر چندبُعدی برای تمامی کشورهایی که داده‌ها را در اختیار مؤسسه قرار می‌دهند، به‌شیوه آلفیر-فاستر^۲ محاسبه و به‌صورت عمومی منتشر می‌شود. هر سال باتوجه به وقایع رخ داده در جهان، نتایج به‌دست‌آمده از منظر تحولات بین‌الملل و اتفاقات منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد و تأثیر وقایع مختلف بر فقر اندازه‌گیری و تحلیل می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از این گزارش‌ها در کنار سایر گزارش‌ها در حوزه‌های فقر نشان داده است که وقوع جنگ‌ها، بیماری‌های همه‌گیر نظیر کووید-۱۹، چالش‌های زیست‌محیطی و... همگی سبب شده‌اند که جهان، فقر بیشتری را در ابعاد مختلف تجربه کند.

گزارش فقر چندبُعدی سال ۲۰۲۴، که با استفاده از داده‌های سال ۲۰۲۳ در ۱۱۲ کشور با جمعیتی بالغ بر ۶/۳ میلیارد نفر تهیه شده است، تصویری نگران‌کننده از گسترش و شدت فقر در جهان ارائه می‌دهد. یکی از نکات برجسته این گزارش، تأثیر مستقیم جنگ‌ها بر تعمیق فقر چندبُعدی است. در حالی که تنها ۱۰ درصد جمعیت جهان در کشورهای درگیر جنگ زندگی می‌کنند، نزدیک به ۱۹ درصد فقیران چندبُعدی (معادل ۲۱۸ میلیون نفر) در همین

کشورها ساکن‌اند. نرخ فقر چندبُعدی در این کشورها به ۳۴/۸ درصد می‌رسد، که تقریباً سه‌برابر میانگین کشورهای غیرجنگی (۱۰/۹ درصد) است.

دسترسی محدود به برق، آموزش و خدمات پایه در کشورهای جنگ‌زده، نشانه‌ای روشن از شکنندگی زیرساختی و نهادهای اجتماعی است که با تداوم درگیری، فقرا را در چرخه‌ای از محرومیت و نابرابری گرفتار می‌سازد. این یافته‌ها، بر وجود رابطه‌ای معنادار بین درگیری، فروپاشی نهادی و شدت فقر دلالت دارند و ضرورت اقدام فوری برای کاهش نابرابری، بازسازی مناطق آسیب‌دیده و سرمایه‌گذاری در تاب‌آوری جوامع را برجسته می‌سازند.

در سطح کلان، گزارش نشان می‌دهد که حدود ۱/۱ میلیارد نفر از جمعیت بررسی‌شده (۱۸/۳ درصد) در شرایط فقر چندبُعدی شدید زندگی می‌کنند. از این تعداد، بیش از نیمی، معادل ۵۸۴ میلیون نفر، کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال‌اند و ۸۳/۷ درصد در مناطق روستایی سکونت دارند؛ این آمارها بازتابی از تمرکز فقر در بین جمعیت‌های آسیب‌پذیر است.

از منظر جغرافیایی، دو منطقه صحرای بزرگ آفریقا و جنوب آسیا بیشترین سهم را در جمعیت فقیران چندبُعدی دارند که دربرگیرنده جمعیتی به‌ترتیب معادل ۵۵۳ میلیون و ۴۰۲ میلیون نفر است. بررسی شاخص‌های محرومیت نشان می‌دهد که از میان جمعیت فقیر چندبُعدی:

- ۸۲۸ میلیون نفر به سرویس بهداشتی مناسب دسترسی ندارند؛

- ۸۸۶ میلیون نفر فاقد سرپناه مناسب‌اند؛

- ۹۹۸ میلیون نفر از سوخت پاک برای پخت‌وپز محروم‌اند.

علاوه‌بر این، بیش از نیمی از فقرا با مشکلاتی چون سوءتغذیه، بی‌برقی، بی‌سوادی خانوادگی و محرومیت آموزشی کودکان روبرو هستند؛ مشکلاتی که نه‌تنها کیفیت

1. <https://ophi.org.uk>

2. Alkire-Foster Method

زندگی را به شدت کاهش می‌دهند، بلکه چرخه فقر بین‌نسلی را تداوم می‌بخشند.

این گزارش نه تنها تصویری از فقر چندبُعدی در ۱۱۲ کشور با جمعیتی بالغ بر ۶ میلیارد نفر را نشان می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد وقوع جنگ‌ها و درگیری‌ها که در سال‌های اخیر شدت یافته، بر شدت و عمق فقر تأثیر داشته است. پایش منظم فقر، چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی، ابزاری مهم در هشدارهای سیاستی و ارائه راهکارهای به‌موقع و مبتنی بر شواهد در کاهش فقر است.

پایش و اندازه‌گیری فقر، پیش‌نیاز سیاست‌گذاری فقرزدا

سیاست‌گذاری فقرزدا نیازمند درک دقیقی از مفهوم فقر و روش‌های سنجش آن است. در گذشته، تمایزی میان «فقر مطلق» و «فقر نسبی» در ادبیات اقتصادی مطرح بود، اما در رویکردهای نوین توسعه، این تمایز کمتر مورد تأکید قرار می‌گیرد و واژه «فقر» بیشتر به‌تنهایی و به‌معنای نیازهای برآورده‌نشده اساسی افراد به‌کار می‌رود. خط فقر جهانی که بانک جهانی تعریف می‌کند، معیاری جهانی برای شناسایی افرادی است که درآمد یا مصرف آن‌ها کمتر از سطح بقا می‌باشد. در حال حاضر، این خط فقر حدود ۲/۱۵ دلار در روز بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) است. در این چهارچوب، افرادی که زیر این آستانه قرار دارند و توان مشارکت اقتصادی ندارند، مانند افراد دارای معلولیت شدید یا سالمندان فاقد حمایت، معمولاً موضوع حمایت‌های اجتماعی مستقیم هستند. اما در مورد افرادی که قابلیت مشارکت و تلاش را دارند، سیاست‌های فقرزدا باید فراتر از حمایت صرف، بر توانمندسازی، ارتقای فرصت‌ها و رفع موانع ساختاری تمرکز یابد. از این منظر، فقر صرفاً مسئله‌ای درآمدی نیست، بلکه پدیده‌ای چندلایه و ساختاری است که به محرومیت از دسترسی مؤثر به آموزش، سلامت، تغذیه، مسکن، انرژی و حتی مشارکت اجتماعی مربوط می‌شود.

اینجاست که مفاهیمی نظیر فقر قابلیت‌ی و فقر چندبُعدی مطرح می‌شود. فقر قابلیت‌ی اولین بار توسط آمارتیا سن^۱، اقتصاددان هندی مطرح شد. در این رویکرد، فقر به‌معنای محرومیت افراد از توانایی‌های اساسی برای داشتن زندگی شایسته است. شاخص‌هایی نظیر شاخص توسعه انسانی و شاخص فقر چندبُعدی، ابزارهایی هستند که فقر را فراتر از تمرکز صرف بر درآمد و حداقل‌های زندگی اندازه‌گیری می‌کنند.

شاخص فقر چندبُعدی^۲ (بر اساس روش آلکیر-فاستر) نخستین بار در سال ۲۰۰۷ توسط سابینا آلکیر^۳ و جیمز فاستر^۴ در قالب یک چارچوب نظری و روش‌شناسی معرفی شد. این روش به‌طور رسمی و گسترده در سال ۲۰۱۰، در قالب گزارش توسعه انسانی سازمان ملل^۵ وارد بدنه سیاست‌گذاری جهانی شد و برای نخستین بار «شاخص جهانی فقر چندبُعدی» با همکاری مرکز اوفی^۶ و برنامه توسعه سازمان ملل^۷ منتشر و جایگزین شاخص قبلی «شاخص فقر انسانی»^۸ شد. این شاخص در کنار شاخص توسعه انسانی، تصویر مناسبی از وضعیت فقر و چالش‌های توسعه ارائه می‌دهد و مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری است. سابینا آلکیر که مبدع و مدرس نحوه محاسبه شاخص و به‌کارگیری آن به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری است، هم‌زمان ریاست مرکز اوفی را نیز برعهده دارد. اوفی سالانه محاسبات مربوط به فقر چندبُعدی در کشورها را انجام داده و نتایج به‌دست‌آمده را با توجه به متغیرهای مختلف تأثیرگذار بر فقر

1. Amartya Sen

2. Multidimensional Poverty Index – MPI

3. Sabina Alkire

4. James Foster

5. UNDP HDR 2010

6. OPHI (Oxford Poverty and Human Development Initiative)

7. UNDP

8. (HPI)

مورد تحلیل قرار می‌دهد تا تصویر دقیق‌تری از وضعیت فقر و عوامل مؤثر بر آن به سیاست‌گذار ارائه دهد. در کنار این شاخص، شاخص توسعه انسانی نیز به‌طور سالانه توسط دفتر شاخص توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد محاسبه و منتشر می‌شود. شاخص توسعه انسانی هر سال باتوجه به برخی متغیرهای کلیدی به‌روز می‌شود و وضعیت کشورها را ارزیابی می‌کند. شاخص‌های نابرابری، برابری جنسیتی و فشار بر سیاره، از جمله مواردی هستند که محاسبه شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

رویکرد نظری در سیاست‌گذاری فقرزدا

نظام سیاست‌گذاری فقرزدا مستلزم رویکردی یکپارچه، داده‌محور و چندبُعدی است که با مشارکت نهادی، انسجام سیاستی و سازوکارهای پایش و ارزیابی مستمر، به کاهش پایدار فقر در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و منطقه‌ای می‌انجامد. در این راستا، دیدگاه‌های مطرح‌شده بر چهار الزام در نظام سیاست‌گذاری فقرزدا تأکید می‌کنند:^۱

۱- پذیرش متعهدانه سیاست^۲

برای آنکه پایش و اندازه‌گیری فقر و سیاست‌گذاری مبتنی بر پایش فقر به‌درستی اجرا و نهادینه شود، باید از حمایت سطوح بالای حاکمیت برخوردار باشد. این حمایت معمولاً از سوی رئیس‌جمهور، معاون اول، یک وزیر کلیدی یا مجلس جلب می‌شود. بدون همراهی سیاسی و مشارکت فعال ذی‌نفعان کلیدی که نشانی از تعهد ایشان در پذیرش سیاست باشد، نمی‌توان انتظار داشت که فرایند سیاست‌گذاری فقرزدا به نتیجه مورد انتظار برسد. پایش و اندازه‌گیری فقر نباید

۱. دیدگاه‌های نظری مطرح‌شده در این بخش برگرفته از دوره تخصصی سیاست‌گذاری فقرزدا در مؤسسه اوفی آکسفورد و مبتنی بر روش آلکیر- فاستر است.

2. Policy Buy-in

صرفاً با هدف تولید گزارش‌هایی باشد که بعضاً فقط در قفسه‌ها باقی می‌ماند، بلکه تولید گزارش فقر باید در مسیر سیاست‌گذاری مؤثر فقرزدا باشد و این امر مستلزم همراهی و تعهد سیاستی در بالاترین سطح حاکمیت است.

پایداری این فرایند زمانی تضمین می‌شود که یک مقام عالی‌رتبه، فرد یا نهادی مشخص به‌عنوان «رهبر اجرایی» یا «چهره محوری» برای پیشبرد این برنامه منصوب شود. این فرد ممکن است وزیر، معاون وزیر، رئیس مرکز آمار یا مدیر یک نهاد تخصصی باشد اما شرط موفقیت او، برخورداری از حمایت کامل مقامات عالی است. در کنار این رهبری سیاسی، وجود یک فرد یا تیم فنی متخصص - معمولاً از نهاد آمار ملی - نیز ضروری است که بتواند شاخص‌های محاسبه فقر و از جمله شاخص فقر چندبُعدی را با درک روش‌شناسی و پیامدهای سیاستی آن، محاسبه و هدایت کند.

۲- پایبندی به اصول فنی^۳

شاخص فقر چندبُعدی ملی باید اطلاعاتی مستند، معتبر و قابل اتکا برای سیاست‌گذاری تولید کند. تحقق این هدف مستلزم آن است که این شاخص با دقت فنی و بی‌طرفی، بر پایه ناگرها یا سنجه‌هایی^۴ که امکان مداخله سیاستی مستقیم داشته و به‌طور منظم به‌روزرسانی می‌شوند، طراحی و اجرا شود.

همچنین، شاخص ملی فقر چندبُعدی باید به‌گونه‌ای نهادینه شود که امکان دست‌کاری آن برای مقاصد سیاسی به حداقل برسد. در عین حال، در تمام مراحل طراحی شاخص ملی، سیاست به نوعی رسوخ کرده است که می‌تواند نکته‌ای مثبت باشد؛ زیرا گاهی فشار و شتاب سیاسی رهبران در آستانه انتخابات می‌تواند به نیرویی سازنده و مؤثر برای پیشبرد برنامه‌های فقرزدایی تبدیل شود.

3. Technical Rigor

4. Indicators

جدول ۱: ماتریس ذی‌نفعان در شاخص فقر چندبُعدی ملی

گروه ذی‌نفع	نوع نقش	سطح تأثیرگذاری	نقش مورد انتظار در فرایند
رهبری در سطوح عالی حاکمیت	حاکمیتی	زیاد	تصویب و تضمین سیاسی، نهادینه‌سازی در سطوح کلان
وزرا و معاونان وزرا	اجرایی	زیاد	هدایت دستگاه‌ها، هماهنگی بخشی، حمایت اجرایی
مرکز ملی آمار / نهاد آماری کشور	تخصصی	زیاد	طراحی، محاسبه و به‌روزرسانی شاخص، تضمین کیفیت داده
کارمندان دولت / کارشناسان دستگاه	اجرایی	متوسط	اجرای سیاست‌ها، تحلیل داده‌ها
سطوح پایین تر حکومت (استانی، محلی)	اجرایی / اجتماعی	متوسط	اجرای محلی برنامه‌ها، تغذیه اطلاعات مکانی
مجلس / پارلمان	حاکمیتی	زیاد	تصویب منابع، حمایت قانونی، نظارت سیاستی
دانشگاهیان و نهادهای علمی	تخصصی	متوسط	تحلیل داده‌ها، نقد علمی، آموزش و پژوهش
رهبران فکری و افراد مرجع	اجتماعی	متوسط	ترویج عمومی شاخص، جلب مشارکت اجتماعی
سایر رهبران سیاسی	حاکمیتی	متوسط	حمایت یا نقد سیاستی، تبیین شاخص در افکار عمومی
رسانه‌ها	اجتماعی	متوسط	انتشار نتایج، آگاهی‌بخشی عمومی
بخش خصوصی	اقتصادی / سیاستی	متوسط	مشارکت در گفت‌وگوی سیاستی با دولت، حمایت مالی و فنی، اجرای برنامه‌های توانمندسازی، مسئولیت اجتماعی، مشارکت در تحلیل داده‌های بازار کار و اشتغال
جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد	اجتماعی	متوسط	رصد مردمی، ارائه بازخورد از پایین به بالا
افراد فقیر و جوامع آن‌ها	اجتماعی / هدف	زیاد (غیرمستقیم)	مخاطبین سیاست‌ها، مشارکت در ارزیابی تأثیرات
جامعه بین‌المللی	بین‌المللی	متوسط	ارائه پشتیبانی فنی، منابع مالی، تجربه‌های تطبیقی

۳- راهبرد ارتباطات^۱

طراحی شوند، اما در عین حال در چارچوب یک راهبرد

- کلان هماهنگ قرار گیرند. برای مثال:
- پیام برای آمارگران و دانشگاهیان باید بر روش‌شناسی، آزمون‌های اعتبار، وزن‌دهی و دقت آماری متمرکز باشد؛
- پیام برای سیاست‌گذاران ارشد باید بر کاربرد عملی شاخص و قابلیت تبیین آن در سیاست‌گذاری تمرکز کند؛
- پیام برای عموم مردم باید به‌صورت ساده، بصری و روایت‌محور طراحی شود. مثلاً از طریق اینفوگرافی،

یکی از پیش‌نیازهای موفقیت سیاست‌گذاری فقرزدا، ارتباط مؤثر و هدفمند با گروه‌های مختلف مخاطب است. راهبرد ارتباطات باید از زمان تصمیم به توسعه شاخص آغاز شود و در طول مراحل اجرا و به‌کارگیری در سیاست‌ها و برنامه‌های فقرزدا نیز استمرار داشته باشد. این استراتژی باید شامل سه حوزه اصلی باشد: ارتباطات درون‌دولتی، ارتباط با ذی‌نفعان تخصصی و ارتباط با عموم جامعه. پیام‌ها باید متناسب با ویژگی‌ها و علائق هر گروه

1. Communications Strategy

انیمیشن یا ویدئو.

۴- اعتبار^۱

سیاست‌گذاری فقرزدا با استفاده از شاخص فقر چندبُعدی یا هر شاخص مشابه، تنها در صورتی می‌تواند موفق باشد که از سطح بالایی از اعتبار عمومی برخوردار باشد. باتوجه‌به آنکه سنجش فقر ممکن است به‌سرعت به موضوعی سیاسی تبدیل شود، شفافیت فرایند و استقلال نهاد مجری اهمیت حیاتی دارد. کیفیت نتایج شاخص به‌طور مستقیم به کیفیت داده‌های آماری بستگی دارد. بنابراین، نهاد آماری و تیم فنی مرتبط باید مستقل از نفوذ احزاب سیاسی و سیاست‌گذاران اجرایی باشند. این استقلال حرفه‌ای، علاوه‌بر ارتقای اعتماد عمومی، حمایت جریان‌های سیاسی مختلف را نیز تسهیل می‌کند. تجربه برخی کشورها نشان می‌دهد که برای افزایش اعتماد، نه‌تنها نتایج نهایی بلکه داده‌های خام و فرمول‌های محاسبه نیز منتشر می‌شود تا امکان بازتولید رسمی شاخص توسط هر فرد یا نهاد علاقه‌مند فراهم باشد. اگر حتی یک‌بار استقلال نهاد آماری مخدوش شود، اعتبار آن به‌شدت آسیب می‌بیند و جبران آن دشوار خواهد بود. علاوه‌بر الزامات فوق، دقت در شناسایی تمامی ذی‌نفعان و مشارکت دادن آنها در فرایند سیاست‌گذاری، امری ضروری است. ذی‌نفعان به‌شرح زیر شناسایی می‌شوند:

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت یک نظام سیاست‌گذاری فقرزدا، زمانی می‌تواند موفق عمل کند که الزامات مربوط به پایش مستقل، دقیق، فنی و مستمر فقر را فراهم آورد؛ سازوکار مناسب برای همراهی سیاستی و مشارکت ذی‌نفعان در فقرزدایی را ایجاد کند؛ و سازوکار مرتبط برای سیاست‌گذاری مبتنی بر نتایج پایش فقر و ارزیابی سیاست‌های فقرزدا را فراهم نماید.

نظام سیاست‌گذاری فقرزدا در ایران

در ایران، نهادهای متعددی در حوزه فقرزدایی فعالیت می‌کنند و قوانین و مقررات گوناگونی نیز در زمینه پایش فقر، سیاست‌های رفاهی و برنامه‌های کاهش فقر به‌تصویب رسیده است. باین‌حال، به‌رغم تعدد نهادها و اسناد قانونی، انسجام، هماهنگی و همراهی لازم در نظام سیاست‌گذاری فقرزدا از مرحله پایش و اندازه‌گیری فقر تا تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها همچنان ضعیف و پراکنده است. ازجمله اسناد قانونی موجود می‌توان به «آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی» مصوب سال ۱۳۸۴ اشاره کرد. بر اساس تبصره (۴) ماده (۲) این آیین‌نامه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف است در نیمه اول هر سال، میزان درآمدی خط فقر مطلق را با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی محاسبه کرده و پس از تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، آن را اعلام و مبنای اجرای آیین‌نامه قرار دهد. در این آیین‌نامه، ارائه خدمات رفاهی و حمایت اجتماعی به گروه‌های دچار فقر شدید، فقر مطلق و بالای خط فقر مطلق مورد تأکید قرار گرفته و وظایف دستگاه‌های اجرایی در این زمینه مشخص شده است. بر این اساس، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی و تحت نظارت شورای عالی رفاه، مسئول شناسایی افراد مشمول و طراحی خدمات حمایتی متناسب با حوزه وظایف خود است. شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی نیز به ریاست رئیس‌جمهور و دبیری وزیر رفاه، مسئول هماهنگی بین‌دستگاهی در اجرای سیاست‌های رفاهی کشور است. همچنین، در «سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی» ابلاغی سال ۱۴۰۱، مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌ها با هدف ایجاد رفاه عمومی، کاهش فقر و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر تدوین شده است. در این سند، بر اصلاح ساختار و قوانین نهادهای حمایتی، و نیز استقرار نظام احسان و نیکوکاری به‌منظور پیوند دادن ظرفیت‌های مردمی با دستگاه‌های دولتی تأکید

1. Credibility

طراحی و برگزاری سلسله نشست-کارگاه‌های سیاست‌گذاری فقرزدا توسط مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، باتوجه به ظرفیت‌های ساختاری و تخصصی در حوزه فقرزدایی و به‌منظور بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر افزایش فقر و راهکارهای سیاستی برای رفع فقر در کشور، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی نسبت به طراحی سلسله نشست-کارگاه‌های سیاست‌گذاری فقرزدا با هدف ایجاد گفتمان فقرزدایی، همراهی سیاستی سیاست‌گذاران، تحلیل چالش‌ها به‌صورت هم‌افزا و ارائه توصیه‌های سیاستی، با مشارکت ذی‌نفعان و باتوجه به ابعاد مختلف فقر اقدام کرد.

در الگوی طراحی‌شده، فقر در ابعاد مختلف نظیر آموزش، سلامت و معیشت، ابعاد مالی، ابعاد زیست‌محیطی و فقر در گروه‌های جمعیتی مختلف مورد توجه قرار گرفت. همچنین نظام سیاست‌گذاری فقرزدا، نظام داده‌ای و پایش فقر، اهمیت سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و رویکردهای عدالت فضایی، رویکردهای تأمین مالی فقرزدا، حمایت‌های اجتماعی و نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد مدنظر قرار گرفت. بدین‌ترتیب، فقر در قالب یک تصویر چندبُعدی بررسی شد: بُعد نخست، ابعاد فقر؛ بُعد دوم، ساختارها و نظام‌هایی که به نقش‌آفرینی در پایش و سیاست‌گذاری فقرزدا می‌پردازند؛ و بُعد سوم، رویکردها و سیاست‌های اجرایی فقرزدایی. بر مبنای این ابعاد، هشت سلسله نشست با عناوین؛ افق‌گشایی موضوع فقر، فقرزدایی و رفاه در آینده سلامت، فقرزدایی و رفاه در آینده آموزش، فقرزدایی و رفاه در جغرافیای ایران، پایش و اندازه‌گیری فقر، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فقرزدایی، حمایت اجتماعی در مسیر فقرزدایی و تأمین مالی فقرزدا طراحی و برگزار شد. از صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران، دانشگاهیان، مجریان پروژه‌های فقرزدایی و نمایندگان جامعه مدنی، حسب موضوع هر نشست، برای

شده است. در کنار این نهادهای دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد مستضعفان، بنیاد برکت و سایر مجموعه‌ها نیز در حوزه فقرزدایی فعال هستند.

باوجود این ظرفیت‌ها، نظام سیاست‌گذاری فقرزدا در ایران با چالش‌های مهمی روبرو است. نخست آنکه نظام داده و اطلاعات در این حوزه فاقد یکپارچگی و انسجام لازم است. پایش و اندازه‌گیری فقر توسط یک نهاد مستقل که بتواند گزارش‌های بی‌طرفانه و قابل‌اتکا برای سیاست‌گذاران تولید کند، انجام نمی‌شود. در حال حاضر، نهادهایی مانند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرکز پژوهش‌های مجلس، بانک مرکزی و برخی نهادهای عمومی غیردولتی نظیر کمیته امداد، خود اقدام به پایش فقر و ارائه گزارش‌هایی در این زمینه می‌کنند؛ این در حالی است که همین نهادها نقش مستقیم در طراحی و اجرای سیاست‌های فقرزدایی و رفاه اجتماعی دارند. به‌نظر می‌رسد این وضعیت می‌تواند نوعی تعارض منافع نهادی ایجاد کند؛ چراکه نهاد اجراکننده، هم‌زمان ناظر و ارزیاب عملکرد خود نیز هست. این تعارض، از یک‌سو استقلال ارزیابی را زیر سؤال می‌برد و از سوی دیگر، اعتبار داده‌های مورد استفاده در سیاست‌گذاری را تضعیف می‌کند و می‌تواند منجر به کاهش اثربخشی تصمیم‌گیری‌ها شود. همچنین، مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری فقرزدا ضعیف است و ارزیابی سیاست‌ها به‌صورت منظم و نظام‌مند انجام نمی‌شود. این ضعف در ارزیابی، یکی از موانع اصلی اثربخشی سیاست‌های اجراشده در کاهش فقر به‌شمار می‌رود. در نهایت، باید به فقدان یک راهبرد ارتباطی مؤثر برای سیاست‌های فقرزدایی اشاره کرد؛ عاملی که خود موجب کاهش همراهی عمومی و مشارکت اندک ذی‌نفعان در اجرای موفق سیاست‌های فقرزدا شده است.

حوزه اشاره داشت. ایشان ضمن تشریح نقش و وظایف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مؤسسه کار و تأمین اجتماعی در این حوزه، بر ابتکار عمل مؤسسه در مسیر دستیابی به عدالت اجتماعی فراگیر با تأکید بر سیاست‌گذاری فقرزدا پرداخت. وی از تمامی دستگاه‌های اجرایی، دانشگاهیان، نهادهای غیردولتی و نهادهای مدنی دعوت به عمل آورد تا در این فرایند مشارکتی در مسیر سیاست‌گذاری فقرزدا با مؤسسه کار و تأمین اجتماعی همراهی داشته باشند.

آقای دکتر علی ربیعی (استاد علوم ارتباطات دانشگاه پیام‌نور، وزیر اسبق وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دستیار اجتماعی رئیس جمهور) با تجربه‌ای گسترده در عرصه سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی، فقر را نه صرفاً یک پدیده اقتصادی، بلکه یک ناهنجاری عمیق اجتماعی، تاریخی و فرهنگی دانست. او با اشاره به سیر تاریخی سیاست‌های فقرزدا در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، تأکید کرد که علی‌رغم وجود نیت‌های خیرخواهانه در سیاست‌گذاران، اجرای برنامه‌هایی مانند یارانه نقدی، بسته‌های معیشتی و توسعه نظام‌های حمایتی، به‌دلیل فقدان انسجام نهادی، ضعف داده‌های اجتماعی و تداوم سیاست‌های بخشی‌نگر نتوانسته است به کاهش پایدار فقر منجر شود. وی تحریم‌های اقتصادی را یک عامل جدی در افزایش فشار اقتصادی به گروه‌های فقیر و کم‌درآمد عنوان کرد و اشاره داشت که عواملی چون تحریم سبب شده که فقر از استثنا به قاعده تبدیل شود و زمانی که فقر قاعده می‌شود، سیاست‌گذاری برای رفع فقر پیچیده‌تر می‌شود.

آقای دکتر جواد صالحی‌اصفهانی (استاد اقتصاد دانشگاه ویرجینیا تک امریکا) مروری بر تعاریف فقر داشت و تأکید کرد که تمرکز بر روند فقر در سیاست‌گذاری به‌مراتب موثرتر از تمرکز بر تعیین خط فقر سالانه است. وی ضمن ارائه نتایج حاصل از محاسبات فقر از قبل از انقلاب تاکنون بر این نکته تأکید داشت که تحریم‌ها تأثیر غیرقابل‌انکاری

ارائه سخنرانی دعوت شد. سازماندهی سخنرانی‌ها به‌گونه‌ای بود که در هر نشست، نماینده‌ای از جامعه علمی تحلیل وضعیت فقر را ارائه دهد، سیاست‌گذاران به ارائه سیاست‌ها بپردازند و فضایی برای معرفی پروژه‌های موفق در فقرزدایی فراهم شود. همچنین در هر نشست فرصتی برای گفت‌وگو میان سخنرانان و حضار پیش‌بینی شد.

در پایان این سلسله نشست‌ها، یک کارگاه یک‌روزه طراحی شد. از کلیه مشارکت‌کنندگان در نشست‌ها دعوت به عمل آمد تا در صورت تمایل در این فعالیت مشارکت کنند. حدود ۴۰ نفر از فعالان این حوزه برای مشارکت در کارگاه اعلام آمادگی کردند. نمایندگان از وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرکز پژوهش‌های مجلس، سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، دانشگاه‌ها، مراکز علمی و سازمان‌های مردم‌نهاد در این کارگاه حضور داشتند.

نشست اول: عدالت اجتماعی فراگیر؛ افق‌گشایی موضوع فقر

نشست نخست از سلسله نشست‌های سیاست‌گذاری فقرزدا با عنوان «افق‌گشایی موضوع فقر» در ۱۶ دیماه ۱۴۰۳ برگزار شد. در این نشست، مفهوم فقر مورد واکاوی قرار گرفت. همچنین علل ناکارآمدی سیاست‌های فقرزدا در ایران، از منظر تاریخی، نهادی و سیاستی تحلیل شد. آقایان دکتر ابراهیم صادقی‌فر، دکتر علی ربیعی، دکتر سیدجواد صالحی‌اصفهانی، دکتر اسماعیل گرجی‌پور و خانم دکتر معصومه ابتکار سخنرانان نشست نخست بودند که هریک از منظر متفاوت به تحلیل موضوع فقر پرداختند.

آقای دکتر ابراهیم صادقی‌فر (رئیس مؤسسه کار و تأمین اجتماعی) ضمن ارائه گزارشی از فقر در ایران، بر اهمیت تمرکز بر موضوع فقرزدایی و سیاست‌گذاری در این

بر افزایش فقر داشته است. وی معتقد است پرداخت یارانه می‌تواند راهکاری مؤثر در کاهش فقر باشد.

آقای دکتر اسماعیل گرجی‌پور (معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) بر استقرار نظام جامع و چندلایه تأمین اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های رفاهی معطوف به فقر و علل پدیدآورنده آن تأکید کرد. وی فقر شاغلان را شایع‌ترین نوع فقر در ایران دانست که ریشه در ضعف پیوند میان اشتغال و تولید دارد. در این چارچوب، ایشان راهبردهای مقابله با فقر را شامل دو دسته «راهبردهای کارآمدساز» و «راهبردهای بودجه‌محور» دانست و بر ضرورت هماهنگی بین‌دستگاهی، چه در سطح افقی بین نهادهای دولتی و چه در سطح عمودی میان سطوح ملی، محلی و نهادهای مردمی و شرکای اجتماعی برای موفقیت سیاست‌های رفاهی تأکید کرد.

خانم دکتر معصومه ابتکار (استاد ایمونولوژی دانشگاه تربیت مدرس و رئیس اسبق سازمان محیط زیست) با رویکردی بین‌رشته‌ای، فقر را با بحران محیط زیست، مهاجرت اقلیمی و نابرابری فضایی پیوند داد. او بر این نکته تأکید کرد که مناطق فقیر معمولاً بیشترین آسیب را از تخریب محیط‌زیست، خشکسالی، کم‌آبی و آلودگی هوا متحمل می‌شوند، در حالی که کمترین سهم را در تولید این بحران‌ها داشته‌اند. به گفته او، سیاست‌گذاری فقرزدا باید حساس به محیط زیست، اقلیم و عدالت بین‌نسلی باشد.

نشست دوم: عدالت اجتماعی فراگیر؛ فقرزدایی و رفاه در آینه سلامت

نشست دوم از سلسله نشست‌های سیاست‌گذاری فقرزدا با تمرکز بر «فقر سلامت» برگزار شد. در این نشست، مسئله فقر در حوزه بهداشت و درمان از منظر هزینه‌های خانوار، ناکارآمدی نظام بیمه‌ای و ضرورت هماهنگی بین‌بخشی در سیاست‌گذاری سلامت اجتماعی مورد بحث قرار گرفت.

سلامت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی فقر چندبعدی، نه‌تنها تحت تأثیر درآمد، بلکه متأثر از ساختار نظام‌های رفاهی، شیوه‌های تأمین مالی درمان و ظرفیت پاسخگویی بیمه‌ها به نیاز اقشار آسیب‌پذیر است. خانم مریم‌السادات میرمالک‌ثانی و آقایان دکتر علی‌اکبر فضایی، دکتر شهرام غفاری و دکتر محمدرضا واعظ مهدوی از سخنرانان این نشست بودند.

آقای دکتر علی‌اکبر فضایی (استاد اقتصاد سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران) با تأکید بر نقش تعیین‌کننده هزینه‌های سلامت در معیشت خانوارها، هشدار داد که علی‌رغم تأکید سیاست‌های توسعه‌ای بر کاهش هزینه‌های کمرشکن سلامت، این هدف به‌طور کامل محقق نشده و همچنان حدود ۲/۴۲ درصد از خانوارهای ایرانی با این نوع هزینه‌ها مواجه‌اند. سالانه حدود ۷۰۰ هزار خانوار تحت فشار اقتصادی ناشی از درمان قرار می‌گیرند و بیش از ۳۲۰ هزار خانوار به زیر خط فقر غذایی سقوط می‌کنند، وضعیتی که در مناطق روستایی شدیدتر است. علی‌رغم گسترش بیمه‌های پایه و مکمل، سهم بالای پرداخت از جیب، جایگاه سوم هزینه‌های سلامت در سبد خانوار، افزایش نرخ ارز، تورم در بخش دارو و ناکارآمدی بیمه‌ها، همگی نشان از چالش ساختاری در نظام سلامت دارد. فضایی بر ضرورت مداخلات هدفمند، بازنگری در نظام بیمه‌ای و اجرای سیاست‌های حمایتی مؤثر برای کاهش بار مالی سلامت و جلوگیری از فقر ناشی از بیماری تأکید کرد.

آقای دکتر شهرام غفاری (معاون درمان سازمان تأمین اجتماعی) با اشاره به نقش حیاتی سلامت در معیشت اقشار کم‌درآمد و اهمیت آن در توسعه هشدار داد که رشد فزاینده هزینه‌های سلامت در ایران، با افزایش سالانه ۳۸ تا ۶۰ درصد، فشار سنگینی بر خانوارها و نظام تأمین اجتماعی وارد کرده است. باوجود پوشش بیمه‌ای برای بیش از ۹۰ درصد جمعیت و ارائه خدمات به ۴۷ میلیون نفر از طریق

۵۸ هزار مرکز درمانی، همچنان کیفیت، جامعیت و کفایت خدمات درمانی با چالش جدی مواجه است و بیش از ۳۷ درصد هزینه‌های سلامت مستقیماً از جیب مردم پرداخت می‌شود. نابرابری در دسترسی به خدمات، شیوع بیماری‌های مزمن، کمبود پزشک، مهاجرت کادر درمان و نبود نظام ارجاع مؤثر از دیگر عوامل بحرانی در نظام سلامت هستند. وی راهکارهایی چون ایجاد شورای عالی سلامت، توسعه نظام ارجاع، تقویت زیرساخت داده‌ها، سرمایه‌گذاری در پیشگیری و بازنگری در ساختار بیمه‌ای را برای تحقق عدالت اجتماعی و سلامت همگانی ضروری دانست.

خانم میرمالک ثانی (دبیر شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی) با تأکید بر ضرورت انسجام نهادی در تحقق عدالت اجتماعی، اظهار کرد که پراکندگی مسئولیت‌ها و نبود هماهنگی مؤثر میان دستگاه‌های اجرایی، از موانع اصلی در پیشبرد سیاست‌های رفاه و کاهش فقر چندبُعدی است. باوجود تصریح قانون ساختار نظام جامع رفاه اجتماعی بر هم‌افزایی سیاست‌ها، فقدان سازوکارهای اجرایی، تعارض منافع و تحمیل منافع بخشی بر منافع عمومی موجب کاهش اثربخشی مداخلات اجتماعی شده است. وی بر ضرورت تعریف روشن نقش دستگاه‌ها، طراحی حکمرانی جدید برای مدیریت تعارض منافع، و ایجاد هماهنگی در سه سطح نهادی، اجتماعی و اجرایی تأکید کرد. تجارب اخیر دبیرخانه در حوزه‌هایی چون فقر آموزشی، سلامت و مسکن نشان می‌دهد که تنها با حرکت از اقدامات بخشی به سیاست‌های هماهنگ، جلب مشارکت ذی‌نفعان و ایجاد پنجره‌های واحد خدمات حمایتی می‌توان به تحقق عدالت اجتماعی و کاهش فقر چندبُعدی دست یافت.

آقای دکتر محمدرضا واعظ مهدوی (استاد فیزیولوژی دانشگاه شاهد و از معاونین اسبق سازمان برنامه و بودجه) فقر را پدیده‌ای اجتماعی و حاصل سیاست‌های نادرست اقتصادی و اجتماعی دانسته و تأکید کرد که دولت

طبق قانون اساسی موظف است از سیاست‌هایی که منجر به افزایش فقر می‌شوند، پرهیز کند یا در صورت لزوم، برنامه‌های جبرانی مؤثری را اجرا کند. وی با اشاره به آثار تورم بر اقشار کم‌درآمد، عدالت اجتماعی را شرط بنیادین مبارزه با فقر دانست؛ مفهومی که هم در آموزه‌های دینی و هم در اصول حکمرانی عادلانه ریشه دارد. از نظر او نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها و خدمات، نه تنها شکاف‌های اجتماعی را تعمیق می‌بخشد بلکه سلامت جسمی و روانی افراد را نیز تهدید می‌کند. وی با نقد رویکردهای نئولیبرالی به کوچک‌سازی دولت تأکید کرد که تأمین رایگان و برابر خدمات سلامت از وظایف دولت است و تجارب جهانی نیز نشان می‌دهد که نقش فعال دولت در این حوزه، ضامن عدالت و کاهش فقر است. در نهایت، تحقق جامعه‌ای سالم و عادلانه مستلزم بازگشت دولت به رسالت خود در تأمین خدمات عمومی، مهار تورم و مقابله با نابرابری‌هاست.

نشست دوم نشان داد که فقر سلامت نه تنها به کمبود درآمد، بلکه به نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی، ناکارآمدی بیمه‌ها، و هزینه‌های کمرشکن بستری و دارو مرتبط است. نبود نظام جامع اطلاعاتی سلامت، ناهماهنگی میان نهادها و سهم بالای پرداخت‌های مستقیم، از موانع اصلی دستیابی به عدالت سلامت در ایران هستند. راهکارهای پیشنهادی این نشست بر توسعه بیمه درمانی مؤثر، تقویت صندوق‌های بیمه‌ای، یکپارچه‌سازی سیاست‌های سلامت اجتماعی و تقویت نظام‌های پیشگیری و مراقبت اولیه استوار بود.

نشست سوم: فقرزدایی و رفاه در آینه آموزش

نشست سوم از سلسله نشست‌های سیاست‌گذاری فقرزدا با تمرکز بر «فقر آموزشی» و نقش آموزش در ارتقای عدالت اجتماعی برگزار شد. این نشست به بررسی ابعاد نابرابری آموزشی، چالش‌های کیفیت یادگیری، شکاف در پوشش

تحصیلی، ضعف در مهارت‌آموزی و تأثیر آن‌ها بر بازتولید فقر پرداخت. در این نشست، پنج سخنران از حوزه‌های دولتی، بین‌المللی، پژوهشی و مهارتی به تحلیل وضعیت آموزش در ایران پرداختند که اهم مطالب مطرح‌شده توسط ایشان به شرح زیر بوده است:

آقای دکتر غلامحسین محمدی (رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور) با اشاره به فقر مهارتی به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی فقر در ایران، وضعیت آموزش‌های مهارتی در کشور را به تفصیل تحلیل کرد. وی تأکید کرد که فقر مهارتی ناشی از ضعف ساختاری در نظام آموزشی، ناهماهنگی بین عرضه مهارت و تقاضای بازار کار، پایین بودن سرمایه‌گذاری در آموزش و شکاف جدی بین مهارت‌های موجود و مهارت‌های موردنیاز کارفرمایان است. آمارها نشان می‌دهند که سهم اعتبارات آموزش‌های مهارتی در ایران بسیار پایین‌تر از استانداردهای جهانی است و نرخ خروج کارکنان به دلیل نبود فرصت‌های توسعه فردی بالا است. او با ارائه مدل‌هایی از وضعیت کشورهای دیگر و شاخص‌های جهانی توضیح داد که تنها راه مقابله با فقر مهارتی، ایجاد یک نظام یکپارچه مبتنی بر پیوند میان بازار کار، نظام شایستگی، ارائه‌دهندگان آموزش و ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای است. وی بر ضرورت تغییر پارادایم سیاست‌گذاری، هماهنگی نهادی و افزایش سرمایه‌گذاری هدفمند در مهارت‌آموزی برای پاسخ‌گویی به نیازهای آینده بازار کار تأکید کرد.

آقای دکتر علی‌اکبر آذرکیش (معاون وزارت آموزش و پرورش) بر وضعیت پوشش تحصیلی، ترک تحصیل و نابرابری در دسترسی به آموزش را تحلیل کرد و گسترش عدالت آموزشی را از الزامات اساسی سیاست‌های فقرزدا دانست. بر اساس ارائه ایشان، وزارتخانه با تمرکز بر عدالت آموزشی در نظام تعلیم و تربیت، گام‌های مؤثری را اجرایی کرده است. دو راهبرد کلان «رفع محرومیت از فضاهای

آموزشی» و «تحول در فرایند یاددهی و یادگیری»، منجر به ارتقای کیفیت آموزش و گسترش فرصت تحصیلی در مناطق کمتر برخوردار شده است. بر اساس آمار رسمی، پوشش تحصیلی در دوره متوسطه اول حدود ۹۰/۱ درصد و در متوسطه دوم حدود ۸۰ درصد است. همچنین توسعه هنرستان‌های فنی-حرفه‌ای و کار و دانش با بیش از یک میلیون و دویست هزار هنرجو در بیش از ۲۰۰ رشته مهارتی، از دیگر اقدامات کلیدی برای توانمندسازی و اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان محسوب می‌شود. علاوه بر این، وزارت آموزش و پرورش برای شناسایی و بازگشت بازماندگان از تحصیل، تقویت زیرساخت‌های آموزشی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و توانمندسازی معلمان نیز برنامه‌ریزی و اجرا کرده است.

آقای دکتر سید هادی موسوی‌نیک (عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس و مدیر اسبق دفتر مطالعات رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) با معرفی طرح «اتحاد»، پیوند فقر تغذیه‌ای با فقر آموزشی را نشان داد و بر اهمیت طراحی سیاست‌های حمایتی تلفیقی تأکید کرد. این طرح ابتکار جدیدی است که با هدف کاهش فقر بین‌نسلی و ارتقای شاخص‌های انسانی، پیوندی مؤثر میان نظام حمایت اجتماعی و نظام آموزشی برقرار می‌سازد. این طرح با درک محدودیت منابع و ریشه‌دار بودن مشکلات آموزشی و سلامت در فقر، بر دو محور کلیدی متمرکز است: بهبود تغذیه خانوارهای محروم و ارتقای کیفیت آموزشی دانش‌آموزان در مناطق فقیر. ساختار آن شامل دو برنامه مکمل است: «برنامه اتکا» که با ابزارهایی مانند کالابرگ الکترونیک و مشروط‌سازی حمایت‌ها، امنیت غذایی کودکان سه دهک پایین درآمدی را هدف قرار می‌دهد؛ و برنامه «حامد» که مدارس ابتدایی در مناطق محروم را با خدماتی چون تغذیه روزانه، آموزش مکمل، مددکاری اجتماعی و توانمندسازی خانواده‌ها پوشش می‌دهد. این طرح با الهام از تجارب موفق جهانی نظیر «پروگرسا» در

مکزیک و «بولسا فامیلیا» در برزیل، تلاش دارد با تمرکز بر شاخص‌هایی چون کاهش سوءتغذیه، بهبود عملکرد تحصیلی و کاهش بازماندگی از تحصیل، مسیر توسعه انسانی پایدار را هموار سازد.

خانم دکتر مریم سلطان‌زاده (رئیس واحد آموزش صندوق کودکان ملل (UNICEF) در ایران) با تأکید بر روندهای جهانی، آموزش عمومی را عاملی کلیدی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی دانست اما هشدار داد که در صورت نابرابری در خود نظام آموزشی، این هدف به خطر می‌افتد. وی سه شاخص بودجه عمومی، نرخ بازماندگی از تحصیل و کیفیت یادگیری را معیارهای اصلی سنجش کارآمدی نظام آموزشی در عدالت اجتماعی معرفی کرد. با مقایسه‌های جهانی، مشخص شد که سهم بودجه آموزش از تولید ناخالص داخلی در ایران (حدود ۳/۸ درصد) کمتر از استاندارد جهانی (۶ درصد) است و هزینه سرانه آموزشی نیز فاصله زیادی با حداقل جهانی دارد که بر کیفیت یادگیری تأثیر منفی می‌گذارد. نرخ بازماندگی از تحصیل نیز، به‌ویژه در مناطق محروم و مرزی، بالاتر از میانگین است و با فقر منطقه‌ای، کاهش مصرف کالری و ضعف مهارت‌آموزی همبستگی دارد. همچنین، روند جهانی کاهش مهارت‌های سواد در نوجوانان در ایران نیز قابل مشاهده است که با ضعف در آموزش مهارت‌محور و توانمندسازی معلمان تشدید می‌شود. وی راهکارهایی همچون افزایش سرمایه‌گذاری عمومی، گسترش آموزش پیش‌دبستانی، حمایت اجتماعی مشروط و ارتقای داده‌محوری در سیاست‌گذاری را برای برون‌رفت از این وضعیت پیشنهاد داد و بر ضرورت سرمایه‌گذاری پایدار، عادلانه و هدفمند برای تحقق عدالت آموزشی تأکید کرد.

آقای دکتر غلامحسین حسینی‌نیا (نماینده ایران در سازمان بین‌المللی کار) بیان کرد: فقر پدیده‌ای پیچیده و بین‌نسلی است که شکستن چرخه آن مستلزم ارتقای آموزش و مهارت‌آموزی برای اقشار کم‌برخوردار است،

چراکه نیروی کار تنها دارایی واقعی آنان محسوب می‌شود. سازمان بین‌المللی کار (ILO) از سال ۲۰۰۸ توسعه مهارت‌ها را به‌عنوان پیوند اصلی میان آموزش، اشتغال و بهره‌وری معرفی کرده و بر سه محور کلیدی تأکید دارد: تطبیق آموزش با نیاز بازار؛ آمادگی برای تغییرات اقتصادی و فناوریانه؛ و ترویج یادگیری مادام‌العمر. سرمایه‌گذاری در مهارت‌آموزی نه تنها به اشتغال‌پذیری، بلکه به افزایش بهره‌وری، اعتمادبه‌نفس و کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود. تجارب جهانی سازمان بین‌المللی کار، ازجمله طرح‌های موفق چون «کسب‌وکار خود را شروع و بهبود دهید» و «کارآموزی با کیفیت» نشان داده‌اند که آموزش‌های مهارت‌محور می‌توانند نرخ بالایی از ورود به بازار کار را در پی داشته باشند. نظام‌های کارآموزی مبتنی بر مشارکت کارفرمایان در کشورهای توسعه‌یافته نیز عامل مؤثری در کاهش بیکاری جوانان بوده‌اند. تحقق اثربخش این سیاست‌ها مستلزم همکاری سه‌جانبه دولت، کارگران و کارفرمایان و برنامه‌ریزی مبتنی بر داده‌های دقیق بازار کار است تا آموزش‌های مهارتی بتوانند سهم مؤثری در اشتغال پایدار و کاهش فقر ایفا کنند.

نشست سوم نشان داد که آموزش، به‌ویژه آموزش پایه و مهارت‌آموزی، نقش محوری در کاهش فقر و ایجاد تحرک اجتماعی دارد. توسعه آموزش پیش‌دبستانی در مناطق محروم، گسترش آموزش‌های مهارتی با تمرکز بر مشاغل بومی، پیوند حمایت‌های اجتماعی با استمرار تحصیل و ایجاد نظام داده‌محور برای رصد بازماندگی از تحصیل و کیفیت آموزشی از پیشنهادات مطرح شده در این نشست بود.

نشست چهارم: عدالت اجتماعی فراگیر؛ فقرزدایی و رفاه در جغرافیای ایران
چهارمین نشست از سلسله نشست‌های سیاست‌گذاری فقرزدا با تمرکز بر عدالت فضایی و نقش برنامه‌ریزی

منطقه‌ای در کاهش نابرابری‌های جغرافیایی برگزار شد. در این نشست، تحلیل شد که چگونه فقر در ایران با الگوی تمرکزگرای توسعه، ضعف آمایش سرزمین و ناکارآمدی در توزیع منابع، همبسته است. آقایان دکتر محسن مردعلی، دکتر حامد قادرمرزی، دکتر حبیب جباری و خانم دکتر کوثر کریمی سخنرانان این نشست بودند.

آقای دکتر محسن مردعلی (جانشین مدیرعامل بنیاد علوی) به تشریح مدل‌های فقرزدایی مورد استفاده در بنیاد علوی پرداخت. وی تأکید داشت که توانمندسازی محرومان نیازمند گذار از اقدامات خیریه‌ای به مداخلات ساختاری، توسعه فرصت‌های اقتصادی، ارتقای سلامت و بهبود کیفیت آموزش است. او اشاره کرد که بنیاد علوی با تغییر رویکرد خود و برپایه چارچوب پنج سرمایه، با طراحی ۴۱ برنامه و مشارکت گسترده محلی، مدل عملیاتی خود را بر شبکه‌سازی، فناوری و سرمایه‌گذاری کلان استوار کرده است.

آقای دکتر حامد قادر مرزی (مدیرعامل صندوق روستائیان و عشایر) با تأکید بر نگاه چندبعدی و فضایی به فقر، نقش این صندوق را در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تقویت عدالت اجتماعی، کلیدی دانست. وی بهره‌مندی همگانی از بیمه اجتماعی را عاملی برای پایداری جمعیت روستایی، کاهش مهاجرت و پیشگیری از گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی معرفی کرد. ایشان بر لزوم گسترش پوشش بیمه‌ای در مناطق مرزی، تقویت دسترسی و اجرای سیاستی ملی و هماهنگ با مشارکت سایر نهادهای حاکمیتی برای اثربخشی حداکثری تأکید داشت.

آقای دکتر حبیب جباری (معاون دفتر آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه) با تأکید بر ماهیت چندبعدی و فضایی فقر در ایران، آن را نتیجه توزیع نابرابر فرصت‌ها در سطوح جغرافیایی، اجتماعی و زیست‌محیطی دانست. وی بر لزوم بومی‌سازی مدل فقر چندبعدی و توجه به عواملی چون مسکن، اشتغال، شاخص‌های محیطی و مفهوم

«تله فضایی فقر» در سیاست‌گذاری تأکید کرد. او ضمن اشاره به نابرابری میان مناطق و بازماندن مناطق محروم از چرخه رشد، خواستار تدوین سیاست‌های اجتماعی فراگیر بر پایه آمایش سرزمین، تمرکززدایی و عدالت فضایی شد. دکتر جباری بازنگری در سنجش فقر، شناخت علل ساختاری و رفتاری آن و عبور از نگاه صرف حمایتی به سیاست‌های توانمندساز را شرط لازم برای توسعه عادلانه دانست.

خانم دکتر کوثر کریمی (رئیس بخش سیاست‌گذاری اجتماعی دفتر یونیسف در تهران) بر غفلت از بُعد فضایی و جغرافیایی در سیاست‌گذاری رفاه تأکید کرد و ضعف شاخص‌های فعلی را در نمایش واقعی فقر مناطق محروم، به‌ویژه سکونتگاه‌های حاشیه‌ای و مناطق کوهستانی یادآور شد. او خاطرنشان ساخت که بسته‌های خدماتی استاندارد بدون توجه به تفاوت‌های اقلیمی، کالبدی و فرهنگی نمی‌توانند منجر به کاهش فقر شوند. در پاسخ به این خلأ، شبکه‌ای پژوهشی با محور عدالت فضایی شکل گرفته که با تحلیل ۴۴ حوزه سیاستی و مرور اسناد، در پی تلفیق داده‌های فردمحور و مکان‌محور برای طراحی مداخلات واقع‌بینانه و اثربخش است. این شبکه تلاش دارد با شناسایی نابرابری‌های جغرافیایی و تولید تحلیل‌های بومی، به‌عنوان مرجعی برای سیاست‌گذاری فضا محور و عادلانه در کشور عمل کند.

نشست چهارم بر ابعاد منطقه‌ای محرومیت زدایی و فقرزدایی تمرکز داشت. در آخر، دکتر سپهری (رئیس اسبق مؤسسه کار و تأمین اجتماعی) در جمع‌بندی نشست، بر ضرورت تقویت رویکرد منطقه‌محور در برنامه‌ریزی توسعه تأکید کرد و نگاه بخشی در ساختار سیاست‌گذاری را یکی از موانع اصلی تحقق عدالت فضایی و کاهش نابرابری‌ها دانست. وی با اشاره به تجربه‌های تاریخی و چالش‌های موجود، راهکارهایی مانند تفویض اختیار به مقامات محلی، تقویت بانک اطلاعات منطقه‌ای، حمایت از الگوهای موفق توسعه

محلی، و تعدیل ناعادلانه سهم مناطق از تولید ناخالص داخلی را پیشنهاد داد. همچنین بر اهمیت بازشناسی فقر قابلیتی و جهت‌دهی سیاست‌های مالی و یارانه‌ای به سمت برنامه‌ریزی فضا‌محور برای کاهش فقر ساختاری و محرومیت‌های منطقه‌ای تأکید کرد.

نشست پنجم: نظام اندازه‌گیری و سیاست‌گذاری فقرزدا

نشست پنجم با تمرکز بر نظام اندازه‌گیری و سیاست‌گذاری فقرزدا در ۱۴ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ برگزار شد. در این نشست، نظام داده و اطلاعات کشور که پایه اندازه‌گیری فقر است، مورد بررسی قرار گرفت. روش‌های اندازه‌گیری فقر مورد بحث قرار گرفت و سیاست‌گذاری‌های کلان در این حوزه مورد واکاوی واقع شد. آقایان دکتر احد رستمی، دکتر فرهاد خداداد کاشی، دکتر محمدعلی فرزین و دکتر علاءالدین ازوجی از سخنرانان این نشست بودند که به بررسی ابعاد موضوع پرداختند.

آقای دکتر احد رستمی (مدیر مرکز مطالعات و اطلاعات رفاهی ایرانیان) با مرور تاریخچه هدفمندی یارانه‌ها در ایران، بر نقش تحول‌آفرین «پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان» در ارتقای سیاست‌های رفاهی و کاهش فقر تأکید کرد. این پایگاه با گردآوری داده‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها از بیش از ۳۰ نهاد، ابزار اصلی دهک‌بندی، آزمون وسع و تخصیص هدفمند یارانه‌ها و حمایت‌ها در کشور شده است. نهادهایی مانند کمیته امداد، بهزیستی و بیمه سلامت از این داده‌ها برای توزیع خدمات استفاده می‌کنند و حتی در اصلاح سیاست‌های آموزش عالی و تحلیل وضعیت کودکان بازمانده از تحصیل نیز به کار گرفته شده‌اند. این پایگاه اکنون به مبنای تصمیم‌گیری مبتنی بر داده و عدالت در سیاست‌گذاری اجتماعی کشور تبدیل شده است.

آقای دکتر فرهاد خداداد کاشی (استاد اقتصاد دانشگاه

پیام نور) با مرور روند تاریخی سیاست‌های فقرزدایی در ایران تأکید کرد که مقابله با فقر، همان‌گونه که در اصل ۴۳ قانون اساسی تصریح شده، مستلزم درک عمیق‌تری از مفهوم فقر و ابزارهای سنجش آن است. وی با نقد محدودیت‌های تعاریف کلاسیک، بر ضرورت استفاده از شاخص‌های چندبعدی مانند فقر کالری، شدت فقر و «شاخص سن» تأکید کرد و یادآور شد که در دهه ۱۳۹۰، تمامی این شاخص‌ها نشان از افزایش فقر، به‌ویژه در مناطق شهری دارند. او در تحلیل ساختاری، انحصاری‌شدن بازارهای اساسی نظیر مواد غذایی را یکی از عوامل اصلی تشدید فقر معرفی کرد و هشدار داد که سهم بالای این کالاها در سبد مصرفی دهک‌های پایین، فشار مضاعفی بر اقشار آسیب‌پذیر وارد می‌کند. به گفته وی، تجارب جهانی نیز تأیید می‌کنند که نظام‌های اقتصادی رقابتی با درآمد سرانه بالاتر، فقر کمتری را تجربه می‌کنند. دکتر خداداد کاشی در جمع‌بندی بر این نکته تأکید کرد که سنجش دقیق فقر شرط لازم اما ناکافی است و دستیابی به کاهش پایدار فقر بدون بازتعریف عدالت اجتماعی و استقرار یک نظام سیاست‌گذاری منسجم، عادلانه و چندلایه در چارچوب این عدالت ممکن نخواهد بود.

آقای دکتر محمد علی فرزین (اقتصاددان ارشد اسبق دفتر سازمان ملل در ایران) با نقد رویکردهای تک‌بعدی در مواجهه با فقر، بر رویکردهای ترکیبی تأکید و به پیوند فقر با ساختارهای اقتصاد کلان، توزیع درآمد و کیفیت رشد اقتصادی اشاره کرد. او با الهام از نظریه‌پردازانی چون کینز، کاکوانی و آمارتیا سن، بر اهمیت سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زای، توزیع عادلانه درآمد و بهره‌وری به‌عنوان محورهای فقرزدایی پایدار اشاره داشت. به اعتقاد وی، رشد اقتصادی صرف، بدون توجه به کیفیت آن، نه تنها به کاهش فقر منجر نمی‌شود، بلکه ممکن است نابرابری و ناکارآمدی را تشدید کند. فرزین بر لزوم عبور از محاسبات مالی صرف و استفاده از مدل‌های نتیجه‌محور و مبتنی بر قابلیت‌های

انسانی تأکید کرد. وی سیاست‌گذاری فقرزدای مؤثر در سه سطح کلان، میانی و خرد را امکان‌پذیر دانست و خواستار بازتعریف الگوی سرمایه‌گذاری در راستای توسعه انسانی و عدالت اجتماعی شد. استفاده از الگوهایی نظیر بسیج جوامع محلی و اعتبارات خرد، از جمله مثال‌های عملیاتی موفق در پیاده‌سازی الگوهای ترکیبی مورد اشاره دکتر فرزین در این حوزه بود.

آقای دکتر علاءالدین زوجی (رئیس امور کلان سازمان برنامه و بودجه) با تحلیل ساختار اقتصادی ایران تأکید کرد که گذار از فقر مستلزم اصلاح سیاست‌های سرمایه‌گذاری، تمرکز بر رشد باکیفیت و فعال‌سازی سه منبع کلیدی شامل: سرمایه انسانی، مالی و منابع پایه است. وی با استناد به آمارهای اقتصادی نشان داد که رشد دارایی‌ها بسیار بیشتر از رشد دستمزد و سرمایه‌گذاری مولد بوده و این امر منجر به انتقال منافع به صاحبان دارایی و تعمیق نابرابری شده است. او با اشاره به کاهش شدید نرخ مشارکت اقتصادی، ظرفیت پس‌انداز اجتماعی و کاهش سرمایه‌گذاری، بر ضرورت مشارکت فعال‌تر نیروی کار، به‌ویژه جوانان و زنان، تقویت مهارت‌آموزی و بخش تعاون تأکید کرد. از زوجی با انتقاد از تمرکز ناعادلانه GDP در مناطق بالادست، خواستار توزیع متوازن منابع و تقویت رشد در مناطق پایین‌دست شد. به باور او، اجرای موفق برنامه هفتم پیشرفت مستلزم سیاست‌گذاری نتیجه‌محور، مشارکت نهادهای توسعه‌ای و بازتعریف نقش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ایجاد اشتغال و کاهش فقر است.

در جمع‌بندی نشست پنجم، تأکید شد که سیاست‌گذاری فقرزدا بدون برخورداری از یک نظام داده‌ای یکپارچه، جامع و قابل اتکا ممکن نیست. باوجود سامانه‌های آماری متعدد، فقدان انسجام و اتصال میان آن‌ها مانع تصمیم‌گیری اثربخش شده و ضرورت ایجاد یک زیرساخت ملی داده‌محور برای تحلیل‌های ترکیبی و دهک‌بندی دقیق

را برجسته می‌سازد. پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان ظرفیت بالایی دارد، اما اثربخشی آن مشروط به اتصال نهادی و حقوقی با سایر منابع داده‌ای است. همچنین، استفاده از شاخص‌های چندبُعدی و ترکیبی مانند شدت فقر و شاخص سن، در کنار سنجش ساختار بازار و مدل‌های سیستمی تحلیل رشد و توزیع برای درک واقع‌بینانه‌تر از فقر ضروری است. سیاست‌گذاری فقرزدا زمانی موفق خواهد بود که بر پایه داده‌های تلفیقی، تحلیل‌های میان‌بخشی، و برنامه‌های نتیجه‌محور طراحی و اجرا شود.

نشست ششم: تصویری از مدل‌های فقرزدایی در نهادهای غیردولتی

نشست ششم با محوریت نقش نهادهای مدنی در فقرزدایی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ برگزار شد و بر ظرفیت این نهادها در تکمیل سیاست‌های رفاهی در حوزه‌هایی چون سلامت، آموزش و معیشت تأکید داشت. در این نشست، نمونه‌های موفق از مشارکت مدنی ارائه شد: تجربه خیرین سلامت در فارس؛ خدمات صنفی خانه کارگر؛ آموزش توانمندساز مؤسسه ارفک؛ و بانکداری پیوندی مؤسسه تاک در حوزه تأمین مالی خرد. سخنرانان نشان دادند که نهادهای مدنی می‌توانند با رویکردی جامعه‌محور و بومی، به بازسازی سرمایه اجتماعی و ارتقای قابلیت‌های خانوارهای محروم کمک کنند. این نشست بر لزوم شناسایی، حمایت و هم‌افزایی میان دولت و نهادهای مردمی در مسیر توسعه عدالت اجتماعی تأکید کرد. سخنرانان این نشست آقای دکتر ناصر شمس، آقای مهندس علیرضا محمودی، خانم دکتر آصفه کامرانی و آقای مهندس جاسیم مصطفوی بودند.

آقای دکتر ناصر شمس (عضو هیئت‌مدیره مجتمع درمانی حضرت رسول اعظم) با اشاره به نقش گسترده نهادهای مردمی در توسعه خدمات اجتماعی، به‌ویژه در حوزه سلامت، نمونه موفق بیمارستان ابوعلی سینا در شیراز

را ارائه داد که با تکیه بر مشارکت خیرین و بدون وابستگی به دولت، به یکی از مراکز پیشروی پیوند اعضا در جهان تبدیل شده است. وی تأکید کرد که این مدل مشارکت محور، با وجود دستاوردهای چشم گیر، با موانع اداری، مالیاتی و حقوقی جدی روبه روست که انگیزه کنش های خیر خواهانه را تضعیف می کند. اجرای ناقص قوانین حمایتی مانند ماده ۱۷۲ مالیاتی، نبود تمایز میان فعالیت های عام المنفعه و اقتصادی و بروکراسی های پُر هزینه، از جمله چالش های کلیدی اند. دکتر شمس خواستار ایجاد کار گروه ملی، پنجره واحد اداری و اجرای کامل قوانین حمایتی شد. وی تأکید کرد که اگر دولت توان مالی ندارد، حداقل باید موانع را از سر راه خیرین بردارد. تجربه موفق ابوعلی سینا نشان می دهد که با سرمایه اجتماعی می توان خدمات پیشرفته ایجاد کرد اما ادامه این مسیر نیازمند به رسمیت شناختن نهادی و تسهیل گری عملی دولت است.

آقای مهندس علیرضا محمودی (مدیرعامل اتحادیه امکان^۱) با تأکید بر مفهوم فقر قابلیت، نقش نهادهای کارگری به ویژه خانه کارگر را در ارتقای مهارت، سلامت، معیشت و امنیت شغلی کارگران، کلیدی دانست. تجربه خانه کارگر با ۳/۲ میلیون عضو و ۵۷ شعبه رسمی نشان می دهد که چگونه یک نهاد صنفی می تواند با ارائه آموزش های فنی، خدمات سلامت، مسکن مشارکتی، فعالیت های رفاهی و توسعه تعاونی ها از فروغلتیدن خانوارهای کارگری به فقر جلوگیری کند. این نهاد با بیش از ۲۰۰۰ تعاونی فعال، ایجاد مراکز رشد، حمایت از کارآفرینی و تسهیل مشاغل نوین از جمله آزادکاری^۲، به عنوان نمونه ای از اقتصاد همبسته اجتماعی عمل می کند. وی همچنین با اشاره به تجربه های

۱. اتحادیه مرکزی تعاونی های مصرف کارگران ایران (امکان) در تاریخ ۱۳۵۰/۸/۵ به دنبال برگزاری ۲ بارگردهمایی کارگران ایران تأسیس شد. اعضای هیئت مدیره فعلی از سال ۱۳۶۲ کار خود را شروع کرده اند و با بعضی تغییرات، همچنان در حال انجام وظیفه می باشند.

2. Freelancers

جهانی مانند موندراگون و توجه سازمان بین المللی کار به نهادهای تعاون محور، بر اهمیت توسعه سیاست های حمایتی برای تقویت چنین نهادهایی در ایران تأکید کرد. تجربه امکان نشان می دهد که با تکیه بر ظرفیت های مردمی، می توان ساختارهای رفاهی کارآمد، کم هزینه و فراگیر ایجاد کرد. این نهادها، در صورت برخورداری از حمایت حقوقی، نهادی و مالی می توانند به بازوی مؤثر دولت در کاهش فقر قابلیت تبدیل شوند.

خانم دکتر آصفه کامرانی (رئیس هیئت مدیره مؤسسه ارفک^۳) با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در فقرزدایی پایدار، تجربه این مؤسسه را نمونه ای موفق در توانمندسازی آموزشی و اجتماعی کودکان بازمانده از تحصیل معرفی کرد. ارفک با رویکردی نوآورانه، آموزش را از «کنترل بیرونی» به «کنترل درونی» سوق داده و با تربیت معلمان آگاه، کلاس را به فضای رشد فردی و اجتماعی تبدیل کرده است. در کنار آن، سوادآموزی کاربردی برای مادران، اشتغال زایی برای نوجوانان و ایجاد پیوندهای انسانی میان معلم و دانش آموز، به بازسازی سرمایه اجتماعی در مناطق پُر آسیب کمک کرده است. این مدل آموزشی که در مناطقی چون دروازه غار، سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد پیاده شده، بر پایه اعتماد، روایت، انتخاب و تجربه بنا شده و قابلیت توسعه پذیری به سایر نقاط کشور را دارد. دکتر کامرانی تأکید کرد که فقر، تنها با منابع مالی رفع نمی شود؛ بلکه با آموزش انسانی، رابطه محور و توانمندساز است که می توان نابرابری را به طور ریشه ای کاهش داد.

آقای مهندس جاسیم مصطفوی (مدیرعامل مؤسسه تاک^۴) با تأکید بر فقر قابلیت، تجربه موفق مؤسسه تاک را در توسعه اعتبارات خرد از طریق «بانکداری پیوندی»

۳. ارفک یک سازمان مردم نهاد است که از مرداد ماه ۱۳۹۵ در راستای حمایت، آموزش و توانمندسازی کودکان در معرض آسیب و کم برخورداری زیر نظر وزارت کشور در حال فعالیت است.

۴. یک سازمان مردم نهاد توسعه خدمات مالی خرد روستا

و «گروه‌های خودیار» به‌عنوان الگویی بومی و مؤثر در فقرزدایی معرفی کرد. تاک طی بیش از ۲۰ سال در ۲۳ استان کشور، با راهاندازی بیش از ۵۳۰۰ گروه خودیار (با ۹۳٪ اعضای زن) و ارائه بیش از ۱۹۰ هزار وام با نرخ بازپرداخت نزدیک به ۱۰٪ نشان داده است که سرمایه اجتماعی، سواد مالی و مشارکت زنان می‌تواند جایگزین وثیقه و حمایت بلاعوض شود. این مدل با پیوند نهادهای محلی و نظام بانکی، اعتمادسازی و مشروط‌سازی وام، ایجاد کسب‌وکار را ممکن کرده است. نمونه‌هایی چون پروژه تفتان اثبات کرده‌اند که چنین الگوهایی در ایران نیز عملی و مؤثرند. تاک با جلب همکاری نهادهای دولتی و خیریه‌ها، توانسته الگوی کمک‌های نقدی را به‌سمت سرمایه‌گذاری مشارکتی تغییر دهد. تجربه این مؤسسه ثابت می‌کند که اعتبارات خرد اگر مبتنی بر کرامت، آموزش و سازوکارهای بومی باشد، می‌تواند نقشی کلیدی در کاهش پایدار فقر و توانمندسازی جوامع ایفا کند.

نشست ششم بر نقش نهادهای مدنی در کاهش فقر تأکید داشت. نهادهای مدنی با توجه به اتصال به شبکه مردمی، می‌توانند به‌عنوان یک بازوی مؤثر در کنار دولت برای کاهش فقر فعالیت کنند. حمایت دولت از نهادهای مدنی در رفع چالش‌های آنها یکی از موارد مورد تأکید در این نشست بود. در عین حال، برقراری یک ارتباط هدفمند و نتیجه‌محور بین دولت و نهادهای مدنی در برنامه‌های فقرزدایی به‌منظور هم‌افزایی بیشتر و ارتقای کارآمدی خدمات ارائه‌شده مورد تأکید این نشست بود.

نشست هفتم: حمایت اجتماعی در مسیر فقرزدایی

نشست هفتم از سلسله نشست‌های سیاست‌گذاری اجتماعی با تمرکز بر محور «حمایت اجتماعی در مسیر فقرزدایی» برگزار شد. این نشست با توجه به جایگاه راهبردی حمایت اجتماعی در سیاست‌های کاهش فقر و ارتقای رفاه عمومی،

به بررسی ابعاد نظری، راهبردهای ارتباطی و وضعیت نهادی و عملکرد حمایت اجتماعی در ایران اختصاص یافت. سخنرانان این نشست آقای دکتر محمدرضا سپهری، خانم دکتر وحیده نگین و آقای دکتر نیکوپور بودند که در خصوص ابعاد مختلف حمایت اجتماعی و اقدامات دولت در این حوزه ایراد سخن داشتند.

آقای دکتر محمدرضا سپهری (رئیس اسبق مؤسسه کار و تأمین اجتماعی) با اشاره به چهار تحول ساختاری بازار کار یعنی افزایش فارغ‌التحصیلان، حضور زنان، فناوری‌های نو و جوان‌تر شدن نیروی کار، بر ضرورت بازتعریف سیاست‌های اجتماعی با محوریت «کار شایسته» و حمایت اجتماعی فراگیر تأکید کرد. وی حمایت اجتماعی را گسترده‌تر از تأمین اجتماعی دانسته و شامل بیمه‌ها، مساعدت‌های اجتماعی و برنامه‌های بازار کار معرفی کرد که نقشی کلیدی در بهره‌وری و عدالت دارند. پیشنهاد محوری او طراحی «برند اجتماعی» برای گواهی‌دادن به بنگاه‌هایی است که اصول کار شایسته را رعایت می‌کنند، با سازوکاری شامل دبیرخانه، کمیته علمی و ارزیابی داوطلبانه. سپهری همچنین بر نقش آموزش مهارتی، تعاونی‌ها و انسجام نهادی در گذار به عدالت اجتماعی تأکید کرد و در نهایت، ایجاد نظام ملی نشان کار شایسته را گامی مهم در نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت اجتماعی و تحقق عدالت دانست.

خانم دکتر وحیده نگین (مشاور سازمان تأمین اجتماعی) با تأکید بر ضرورت طراحی دقیق بسته‌های حمایت اجتماعی، این سیاست‌ها را فراتر از بیمه‌های سنتی و شامل سه محور بیمه‌های اجتماعی، مساعدت‌های اجتماعی و برنامه‌های بازار کار دانست که هدف آن‌ها کاهش فقر و ارتقای توانمندی افراد است. وی تدوین سیاست‌های مؤثر را منوط به چهار مرحله کلیدی دانست: تحلیل منابع آسیب‌پذیری، ارزیابی اثربخشی مداخلات، تطبیق مداخلات با نیازهای واقعی، و تدوین برنامه عملیاتی با هدف‌گذاری،

نشست هشتم: فقرزدایی، تأمین مالی خُرد، توانمندسازی

این نشست تخصصی که در ۵ اسفندماه سال ۱۴۰۳ برگزار شد، باتوجه به اهمیت نقش تأمین مالی و به‌ویژه تأمین مالی خُرد در فقرزدایی به بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های تأمین مالی خُرد و توانمندسازی اقتصادی گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه زنان، اختصاص داشت. باتوجه به اینکه بانک کشاورزی و صندوق کارآفرینی امید از مهم‌ترین نهادها در تأمین مالی خُرد در ایران به‌شمار می‌روند، از این دو نهاد دعوت به‌عمل آمد تا نسبت به ارائه عملکرد خود در این حوزه صحبت کنند. همچنین به‌دلیل اهمیت فقر در گروه اجتماعی زنان و تأثیرات آن در خانواده و زندگی کودکان، از خانم دکتر بهروز آذر (معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری) برای سخنرانی دعوت شد. تجربه طرح واکنش سریع به بحران کووید ۱۹، به‌عنوان یکی از پروژه‌هایی که با تلفیق حمایت اجتماعی و اشتغال‌زایی در سه استان کشور پیاده شد، در این نشست توسط خانم دکتر فرزین معتمد و خانم دکتر آشوری ارائه شد.

خانم دکتر زهرا بهروز آذر (معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری) با تأکید بر «چهره زنانه فقر»، فقر زنان را پدیده‌ای چندوجهی و وابسته به شرایط خاص هر گروه دانست و بر لزوم سیاست‌گذاری متمایز برای زنان سرپرست خانوار، زنان خانه‌دار طبقه متوسط و زنان حاشیه‌نشین تأکید کرد. وی چهار سیاست اثربخش جهانی شامل یارانه‌های نقدی هدفمند، خدمات بهداشتی و آموزش مهارتی، حمایت از کسب‌وکارهای خُرد، و توسعه زیرساخت‌ها را معرفی کرد و در مقابل، از مداخلات سطحی مانند یارانه‌های غیرهدفمند و آموزش‌های بی‌ارتباط با بازار انتقاد کرد. همچنین بر نقش عاملیت فردی، نگرش حل مسئله و تجربه مؤسسه تاک در توانمندسازی زنان از طریق زنجیره کامل خُرد مالی و مشاوره تأکید کرد. به باور او، موفقیت در فقرزدایی از زنان نیازمند

زمان‌بندی و تخصیص منابع. به گفته او، سیاست‌گذاری موفق مستلزم بهره‌گیری از داده‌های معتبر، اجتناب از تصمیم‌گیری سلیقه‌ای و ایجاد ساختار نهادی قوی است. همچنین بر ضرورت ارتباط نظام حمایت اجتماعی با سایر حوزه‌های کلیدی مانند آموزش، سلامت و فرهنگ کار برای تحقق عدالت اجتماعی و رشد فراگیر تأکید شد.

آقای دکتر حسام نیکوپور (مشاور سازمان تأمین اجتماعی) نظام بیمه‌ای ایران را مجموعه‌ای پراکنده، ناهمگون و ناپایدار توصیف کرد که شامل بیش از ۲۲ صندوق با ساختار، مأموریت و نرخ‌های مشارکت متفاوت است. این تنوع، مانعی جدی برای ادغام، عدالت بین‌نسلی و تعادل مالی است، به‌ویژه با غلبه مدل «مزایای معین» که مشوق مشارکت بلندمدت نیست. وی با اشاره به نسبت پشتیبانی پایین، رشد بازنشستگی‌های پیش از موعد، و بدهی عظیم دولت به صندوق‌ها هشدار داد که تداوم این وضعیت موجب بحران نقدینگی و کاهش تاب‌آوری می‌شود. معافیت‌های غیرهدفمند بیمه‌ای و تعیین غیرواقعی مشاغل سخت از دیگر عوامل ناپایداری است. نیکوپور اصلاح نظام تأمین اجتماعی را مستلزم حذف یارانه‌های غیرمولد، بازنگری در سیاست‌های بازنشستگی، پرداخت بدهی‌های دولتی و حرکت به‌سوی نظام چندلایه دانست؛ اصلاحاتی که شرط ضروری برای تحقق عدالت اجتماعی و کارآمدی اقتصادی‌اند.

در نشست هفتم سیاست‌گذاری اجتماعی با محوریت «حمایت اجتماعی در ایران»، سه رویکرد ارتباطی، نظری و نهادی بررسی شد. تأکید شد که موفقیت سیاست‌های رفاهی نیازمند برندسازی نهادی، تلفیق سه‌گانه بیمه، مساعدت و کار شایسته و اصلاحات مالی و ساختاری نظام بیمه‌ای است. درنهایت، بر ضرورت بازنگری سیاستی، بازطراحی نهادی و ارتقای اعتماد عمومی برای پایداری نظام حمایت اجتماعی ایران تأکید شد.

پیوند بین داده‌محوری، سیاست حمایتی هوشمند و شناخت بومی از ریشه‌های فقر است.

آقای مهندس محمدرضا پویافر (معاون اعتباری بانک کشاورزی) در سخنرانی خود فقر را پدیده‌ای چندبُعدی و ساختاری دانست که برای مقابله با آن باید از سیاست‌های جامع و حمایت اجتماعی فراگیر بهره گرفت. وی با معرفی مدل موفق «بانکداری پیوندی» بانک کشاورزی، نقش این بانک را در توانمندسازی زنان روستایی، ایجاد گروه‌های خودیار و پرداخت وام‌های خُرد با نرخ نکول نزدیک به صفر برجسته کرد. تاکنون بیش از ۷۰ هزار زن در ۷۹۸۴ گروه از تسهیلاتی با هدف اشتغال، درآمدزایی و جلوگیری از مهاجرت بهره‌مند شده‌اند. پویافر همچنین به تسهیلات ویژه بانک برای عشایر، مددجویان و بهسازی مسکن روستایی اشاره کرد و از برنامه‌های آینده برای توسعه زنجیره‌های کشاورزی، فروش محصولات و بهره‌گیری از ابزارهای نوین مالی خبر داد. او بر پیوند مؤثر میان سیاست‌گذاری اقتصادی، نظام بانکی و نهادهای محلی برای فقرزدایی تأکید ویژه داشت.

آقای مهندس میثم اصغری (معاون مدیر توسعه زیست‌بوم کسب‌وکار صندوق کارآفرینی امید) صندوق کارآفرینی امید را به‌عنوان نهادی عمومی غیردولتی با مأموریت بانکداری اجتماعی معرفی کرد که از سال ۱۳۸۵ با هدف حمایت از اقشار فاقد دسترسی به نظام بانکی رسمی، تمرکز خود را بر تأمین مالی خُرد، اشتغال‌زایی روستایی و توانمندسازی زنان و جوانان قرار داده است. این صندوق با طراحی پنج محور عملیاتی مانند «هر روستا یک محصول»، «روستای بدون بیکار» و «صندوق‌های خُرد محلی»، الگوهای بومی و مشارکتی را برای توسعه اقتصادی محلی اجرا کرده است. همچنین از رویکردهای نوینی چون تأمین مالی جمعی و همکاری با نهادهای دولتی و خصوصی برای رفع تنگناهای منابع استفاده کرده و بر پایداری اشتغال پس از تأمین مالی

با آموزش، نظارت و شبکه‌سازی تأکید دارد. اقدامات صندوق تاکنون در کاهش فقر، تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه کسب‌وکارهای خُرد، نقش مؤثری داشته است.

خانم دکتر ارغوان فرزین معتمد (اقتصاددان ارشد اسبق دفتر توسعه ملل متحد در ایران) از برنامه‌های باعنوان «پاسخ سریع اجتماعی-اقتصادی» به‌عنوان پروژه مشترک دولت جمهوری اسلامی ایران و دفتر توسعه ملل متحد در ایران در پاسخ به بحران اقتصادی و اجتماعی ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ نام برد که با مشارکت معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سه استان تهران، لرستان و هرمزگان طراحی و اجرا شده است. در این برنامه با رویکردی تلفیقی، هم‌زمان به حمایت اجتماعی و احیای اشتغال گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان سرپرست خانوار، جوانان و فعالان اقتصادی خُرد پرداخته شد و به‌جای پرداخت یارانه‌های صرف، پرداخت‌های نقدی، غیرنقدی و خدمات بیمه کرونا با اعمال شروط نرم نظیر دریافت خدمات آموزشی مربوط به کووید، دریافت خدمات روانشناسی اجتماعی، انجام واکسیناسیون و کاشت درخت انجام شد. درعین حال و با توجه به آسیب واردآمده به کسب‌وکارهای خُرد و کوچک، برنامه‌های احیا و ایجاد اشتغال با تمرکز بر مزیت‌های هر منطقه و با طراحی مداخلاتی مبنی بر فعال‌سازی زنجیره‌های شغلی مرتبط با مزیت‌ها در شرایط بحران و با نگاه به توسعه بلندمدت، طراحی و پیاده‌سازی شد. نتیجه اجرای این پروژه، حمایت اجتماعی از بیش از ۵۰۰۰ خانواده و ۵۰۰۰ کسب‌وکار در سه استان بود. شکل‌گیری شبکه‌ای از خوشه‌های طولی، زنجیره‌های شغلی و بازارهای محلی (در شکل فیزیکی و دیجیتالی)، بخشی از فعالیت‌های اجراشده در این پروژه با استفاده از مداخلات توسعه‌ای بود که به کاهش فقر و افزایش تاب‌آوری اجتماعی کمک کرد.

دکتر مرجان آشوری (رئیس اداره شبکه دانش سازمان

جهاد کشاورزی استان لرستان) در ادامه به توضیح تجربه برنامه «پاسخ سریع اجتماعی-اقتصادی» در استان لرستان پرداخت. این طرح با تمرکز بر زنان روستایی آسیب‌پذیر، از جمله زنان سرپرست خانوار، افراد دارای معلولیت و دختران بیکار، تلاش کرد با ترکیب حمایت اجتماعی مشروط، توسعه اشتغال، خوشه‌بندی تولیدی و تقویت زنجیره ارزش محلی در قالب مدل بومی، مشاغل خرد را احیا و تاب‌آوری معیشتی را ارتقا دهد. بیش از ۲۰ کارگاه تولیدی در سه شهرستان لرستان راه‌اندازی شد که در حوزه‌هایی نظیر فرآوری سیب، لبنیات معطر، گیاهان دارویی، پوشاک و صنایع‌دستی فعالیت داشتند و از طریق برند منطقه‌ای «دیارا» به بازار متصل شدند. حمایت‌های اجتماعی نیز به‌صورت مشروط به مشارکت در آموزش، سلامت، درخت‌کاری و تحصیل فرزندان طراحی شده بود. این تجربه، الگویی نوآورانه از توسعه محلی با محوریت زنان، اتصال سیاست‌های حمایتی به بازار و تقویت سرمایه اجتماعی ارائه داد که قابلیت تکرار و گسترش در سایر مناطق را داراست.

نشست هشتم با تمرکز بر تأمین مالی خرد و توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر، بر ضرورت استفاده از روش‌های نوین تأمین مالی خرد و اتصال حمایت‌های اجتماعی و برنامه‌های اشتغال تأکید کرد.

کارگاه پایانی؛ حل مسئله

پس از برگزاری هشت نشست تخصصی در حوزه فقر، با هدف جمع‌بندی نهایی و تدوین پیشنهادهایی برای تقویت نظام سیاست‌گذاری فقرزدا در کشور، از تمامی مشارکت‌کنندگان در نشست‌ها، شامل نمایندگانی از بیش از ۴۰ نهاد اجرایی، بین‌المللی، مدنی، دانشگاهی و سایر بخش‌ها، برای حضور در نشست پایانی دعوت به‌عمل آمد. این نشست که در قالب یک کارگاه حل مسئله طراحی شده بود، در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ برگزار شد و بیش از ۵۰ نفر در آن حضور یافتند.

در آغاز کارگاه، مروری بر مباحث و دستاوردهای هشت نشست پیشین صورت گرفت. سپس شرکت‌کنندگان در قالب هفت گروه کاری تخصصی متناسب با محورهای اصلی نشست‌ها ساماندهی شدند. این گروه‌ها عبارت بودند از:

۱. نظام سیاست‌گذاری فقرزدا و نظام پایش و اندازه‌گیری فقر؛
۲. برنامه‌ریزی منطقه‌ای و فقرزدایی؛
۳. آموزش و فقرزدایی؛
۴. سلامت و فقرزدایی؛
۵. تأمین مالی و فقرزدایی؛
۶. نهادهای مدنی و فقرزدایی؛
۷. فقرزدایی؛ زنان، محیط زیست و هوش مصنوعی.

برای هر گروه، مجموعه‌ای از چالش‌ها و ظرفیت‌های مرتبط با موضوع - بر اساس تحلیل‌های به‌دست‌آمده از نشست‌های پیشین - تدوین و در اختیار اعضا قرار گرفت. از گروه‌ها خواسته شد با بررسی این موارد، توصیه‌های سیاستی مشخص ارائه کنند. نمایندگان هر گروه، نتایج گفت‌وگوها و پیشنهادهای تدوین‌شده را به‌صورت جمع‌بندی ارائه دادند و دیگر گروه‌ها نیز به بیان دیدگاه‌ها و تکمیل مباحث پرداختند. در بخش پایانی، فضای گفت‌وگوی آزاد میان همه حاضران فراهم شد تا ابعاد مختلف مباحث مورد بحث قرار گیرد. شایان ذکر است که نتایج حاصل از این کارگاه، در قالب نشست‌های تخصصی با نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط، مورد بازنگری و نهایی‌سازی قرار خواهد گرفت و سپس به‌صورت یک پیشنهاد سیاستی جامع و قابل اجرا به دولت ارائه خواهد شد.

جمع‌بندی و پیشنهادات

فرایند طراحی‌شده در مؤسسه کار و تأمین اجتماعی که با تمرکز بر رویکرد مشارکتی و گفت‌وگو، طراحی درخصوص فقر و سازوکار کاهش فقر پیاده‌سازی شد، تجربه ارزشمندی

بود. در این فرایند، درخصوص مفهوم و ابعاد فقر بحث شد؛ ابعاد فقر در ایران مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت؛ سیاست‌گذاری فقرزدا و سیاست‌های رفاه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت؛ سیاست‌های فقرزدا در ایران تحلیل شد؛ و ظرفیت‌ها و چالش‌ها در نظام سیاست‌گذاری فقرزدا مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب زمینه‌ای فراهم آمد تا صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران، جوامع مدنی، و سایر ذی‌نفعان در یک فضای گفتگویی به بررسی موضوع فقر از ابعاد مختلف پرداخته و به نقد و بررسی سیاست‌گذاری در این حوزه بپردازند. این فرایند سبب شد تا زمینه لازم برای مشارکت ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری فقرزدا فراهم شود.

فقر ریشه در عوامل متعدد دارد. بخشی از آن ناشی از چالش‌های اقتصادی در سطح کلان است که بهبود شرایط اقتصادی می‌تواند در کاهش آن مؤثر باشد. اما سیاست‌گذاری فقرزدا حتی در شرایط رشد اقتصادی نیز ضرورتی انکارناپذیر است. تجربه ایران و بسیاری از کشورهای دیگر نشان می‌دهد که رشد اقتصادی به تنهایی منجر به کاهش فقر نمی‌شود؛ از این رو، طراحی و اجرای سیاست‌ها در راستای تحقق رشد فراگیر و رشد حامی فقرا، در کنار سیاست‌های مستقیم فقرزدایی، از اولویت‌های اصلی نظام سیاست‌گذاری است. در مجموع، در نشست‌ها بر این نکته تأکید شد که فقر پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است و مقابله مؤثر با آن مستلزم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌هایی هم‌افزا، یکپارچه و منسجم است. در راستای تقویت نظام سیاست‌گذاری فقرزدا و دستیابی به نتایج ملموس در کاهش فقر، توجه به مجموعه‌ای از الزامات و پیش‌نیازها ضروری است. در ادامه به برخی موارد اشاره می‌شود:

- **نظام سیاست‌گذاری فقرزدا:** برخوردای از یک نظام سیاست‌گذاری فقرزدا به معنای مجموعه‌ای از نهادها، قوانین، مقررات و اقدامات اجرایی است که در انسجام با یکدیگر به پایش مستمر فقر، بررسی ریشه‌های وقوع

آن و سیاست‌گذاری در مسیر کاهش آن بپردازند. در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کاهش فقر، حمایت عالی‌ترین مقام اجرایی کشور ضروری است.

- **پایش فقر:** پایش فقر در ابعاد مختلف آن با استفاده از شاخص‌هایی نظیر شاخص فقر چندبعدی و شاخص‌هایی که فقر قابلیت را اندازه می‌گیرد در کنار شاخص‌های فقر درآمدی ضروری است. در حال حاضر، نهادهای مختلفی در کشور گزارش اندازه‌گیری فقر تهیه می‌کنند. ضروری است نهادی مرجع و مستقل، مسئولیت اندازه‌گیری فقر را به‌منظور ارائه گزارش به سیاست‌گذار عهده‌دار شود. استقلال در اندازه‌گیری فقر یک ضرورت است. نهادی که اندازه‌گیری فقر را انجام می‌دهد باید بی‌طرفانه محاسبات را انجام و اطلاعات را در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. اندازه‌گیری فقر نیازمند داده‌های دقیق است.

- **داده‌های پایش در زمان واقعی:** تولید آمار در زمان و بدون تأخیر یک ضرورت است. در حال حاضر نظام داده‌ای ایران، یک نظام داده‌ای در زمان واقعی نیست. به این معنا که داده به‌روز تولید نمی‌شود و تأخیر در تولید آمار مانع از واکنش سریع، به‌ویژه در زمان بحران‌ها است. علاوه‌براین، هم‌چنان با چالش وجود آمارهای متفاوت مواجه هستیم که خود منجر به محاسبات متفاوتی در پایش فقر می‌شود و سیاست‌گذاری در این حوزه را با چالش مواجه می‌سازد. در حال حاضر در نظام داده‌ای کشور سامانه‌های مختلفی وجود دارد که به روش‌های مختلف داده تولید می‌کنند. مرکز آمار ایران، بانک مرکزی ایران، سامانه رفاه ایرانیان مستقر در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از جمله مهم‌ترین مراجع داده‌ای هستند. اتصال سامانه‌ها و برخورداری از یک نظام داده‌ای واحد و مرجع در پایش دقیق و فنی

و تأمین اجتماعی به عنوان یک نهاد فرابخشی، ظرفیت مناسبی برای ایفای نقش در این زمینه دارد و می توان با تقویت جایگاه و کارکرد این شورا در حوزه فقرزدایی، زمینه طراحی سازوکارهای مؤثر برای تحقق انسجام سیاستی را فراهم ساخت.

- ترکیب سیاست های حمایت اجتماعی و اشتغال:

هر چند در حال حاضر سیاست های حمایت اجتماعی (در حوزه های مساعدتی و بیمه ای و...) و سیاست های اشتغال در حوزه های مختلف طراحی و پیاده سازی می شوند، اما همچنان با گسترش فقر، به ویژه فقر شاغلان مواجه هستیم. حمایت های اجتماعی الزاماً در اتصال به سیاست ها و برنامه های توانمندسازی و اشتغال را طراحی و پیاده نمی شوند. به عبارتی دیگر، ترکیب بهینه سیاست ها صورت نمی گیرد که این خود منجر به کاهش بهره وری و اثربخشی سیاست ها می شود. در یک نظام سیاست گذاری قوی، امکان ترکیب این نوع سیاست ها مبتنی بر تحلیل دقیق وضعیت موجود میسر خواهد بود.

- ارزیابی سیاست: از دیگر نکات مهم در سیاست گذاری

فقرزدا، ارزیابی اثرات سیاست های پیاده شده است. در حال حاضر در نظام سیاست گذاری فقرزدا، خلاء یک نظام ارزیابی سیاست وجود دارد. طراحی سازوکار مناسب برای ارزیابی سیاست ها نقش بسیار مهمی در افزایش اثربخشی سیاست ها دارد.

فرایند گفتمان سازی فقرزدا ذیل چارچوب عدالت اجتماعی فراگیر، تجربه ای ارزشمند در به کارگیری رویکردهای مشارکتی برای پشتیبانی فکری و دانشی از دولت در عرصه سیاست گذاری به شمار می آید. امید است نتایج این فرایند، در تعامل و همکاری با دستگاه های اجرایی و سایر ذی نفعان به تقویت نظام سیاست گذاری فقرزدا در ایران بینجامد.

فقر و ارائه اطلاعات واحد به سیاست گذار ضروری است. در عین حال، حرکت به سمت تولید داده در زمان واقعی نیز یک ضرورت است.

- مشارکت ذی نفعان: همان طور که اشاره شد، فقر

یک موضوع چندوجهی است و رفع آن نیازمند مشارکت دامنه وسیعی از ذی نفعان است. وجود شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی در کشور، یک ظرفیت مهم در ایجاد هماهنگی های بین دستگاهی در سیاست گذاری های این حوزه است. لیکن این شورا تنها متشکل از دستگاه های دولتی است. حضور سایر ذی نفعان در فرایند سیاست گذاری فقرزدا حائز اهمیت است. مشارکت نمایندگان نهادهای مدنی، بانک ها و مؤسسات اعتباری فعال در حوزه تأمین مالی خرد، بخش خصوصی، متخصصین دانشگاهی و غیردانشگاهی، رسانه ها و... در این فرایند ضروری است. در صورت عدم توجه به این مسئله، نه تنها ابعاد سیاست گذاری فقرزدا درست سنجیده نمی شود، بلکه اجرای سیاست ها نیز الزاماً با اقبال مواجه نخواهد شد و همراهی سیاستی لازم به دست نخواهد آمد. از این رو، طراحی سازوکاری برای مشارکت نمایندگان تمامی ذی نفعان در این حوزه ضروری است.

- انسجام سیاستی در همه ابعاد: از نکات کلیدی در

سیاست گذاری فقرزدا، ضرورت انسجام سیاستی است. ماهیت چندبعدی فقر، سیاست گذاری در این حوزه را به امری پیچیده و میان بخشی تبدیل کرده است؛ از این رو، انسجام و هم راستایی سیاست ها در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با هدف فقرزدایی امری اجتناب ناپذیر است. در این میان، تحلیل و تطبیق سیاست های کلان کشور با اهداف فقرزدایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. دستیابی به این انسجام، مستلزم هماهنگی مؤثر بین دستگاهی است. شورای عالی رفاه